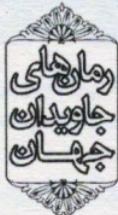


دور دنیا در هشتاد روز

اثر ڈول ودن
ترجمه‌ی محسن فرزاد



{متن کوتاه شده}

نشان فرقہ

دیدار با ارباب

در سال ۱۸۷۲ م. مردم چیز زیادی درباره‌ی آقای فیلاس فاگ^۱ نمی‌دانستند. فقط می‌دانستند که او آدمی محترم و باوقار است. آقای فاگ در خانه‌ی شماره‌ی هفت خیابان ۸ سویل ر^۲ در لندن زندگی می‌کرد. او تا آنجا که می‌توانست کم حرف می‌زد و سکوت‌ش او را مردی مرموز جلوه می‌داد.

تا آن زمان کسی ندیده بود که آقای فاگ به ساختمان بورس اوراق بهادر، دادگستری و یا یکی از اداره‌های شهر برود. فقط می‌دانستند که او عضو باشگاه اصلاح طلبان و

1. Phileas Fogg

2. Saville Row

آدمی ثروتمند است، اما این که ثروتش را از کجا به دست آورده، جزء اسرار بود.

آقای فاگ هم هرگز چیزی در این باره نمی‌گفت. آیا او زیاد مسافرت کرده بود؟ شاید! چون هیچ‌کس به اندازه‌ی او درباره‌ی جهان اطلاعات نداشت. لابد او حداقل در عالم خیال، به همه جای دنیا سفر کرده بود. با این حال، سال‌ها بود که آقای فاگ از لندن آن طرف تر نرفته بود. در واقع او فقط به باشگاه می‌رفت و در آنجا روزنامه می‌خواند یا شطرنج بازی می‌کرد. البته این بازی بیش‌تر برای او جنبه‌ی سرگرمی داشت تا چیزی دیگر.

آقای فاگ تنها زندگی می‌کرد و در ظاهر، قوم و خویشی نداشت. هر روز، به تنها یی و در ساعتی مشخص، پشت میز همیشگی اش در باشگاه اصلاح‌طلبان ناهار و شام می‌خورد. سپس سر ساعتی یازده و نیم شب به خانه

می‌رفت. در واقع او درست دوازده ساعت در خانه و دوازده ساعت در باشگاه بود.

آقای فاگ یک خدمتکار داشت که مجبور بود از هر نظر منظم باشد و کارهایش را به موقع انجام دهد. آن روز یعنی دوم اکتبر، آقای فاگ خدمتکارش جیمز فاستر^۱ را اخراج کرده بود، چون فاستر به جای این که آب را برای اصلاح صورت او ۸۶ درجه گرم کند، ۸۴ درجه گرم کرده بود. به همین دلیل قرار بود آن روز صبح خدمتکاری جدید به دیدن آقای فاگ بیاید.

*

آقای فاگ شق و رق روی صندلی اش نشسته بود و به عقربه‌های ساعت نگاه می‌کرد. این ساعت با ساعت‌های دیگر فرق داشت، چون علاوه بر ساعت، دقیقه و ثانیه،

1. James Foster